

## ساخت‌های فعلی استمراری - تأکیدی در گویش هورامی

دکتر یادگار کریمی

استادیار دانشگاه کردستان

زانیار نقشبندی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان

(از ص ۸۳ تا ۱۰۰)

### چکیده

(تاریخ دریافت: ۸۹/۰۵/۰۲، تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۲/۰۷)

در این مقاله ساخت فعلی خاصی در گویش هورامی (پاوه‌ای) مورد بررسی قرار می‌گیرد که در این جستار ساخت استمراری-تأکیدی نامیده می‌شود و از پیوند نحوی افعال مضارع اخباری، ماضی استمراری و ماضی ساده با مصدر سازنده این افعال تشکیل می‌شود. بروز برخی تبعات نحوی مترتب بر تشکیل این ساخت‌ها را (نظیر عدم امکان حضور مفعول صریح به صورت گروه اسمی آشکار در ساخت‌های متعدی غیرکنایی<sup>۱</sup> و نیز استفاده از نظام واژه بستی به عنوان یگانه راهکار بروز موضوع درونی) می‌توان با تکیه بر ملاحظات حالت و مفهوم صافی حالت<sup>۲</sup> تبیین کرد. نظام واژه‌بستی به‌کاررفته در این قبیل ساخت‌ها، نظام واژه‌بستی فعلی است. این نظام که در آن عناصر واژه‌بستی همچون وندهای مطابقه به فعل متصل می‌شوند، دارای کارکردهای نحوی دوگانه مطابقه و معرفی موضوع است. چگونگی شکل‌گیری این ساخت‌ها را نیز می‌توان از منظری اطلاعاتی و با توجه به نظریه ساختار اطلاعاتی<sup>۳</sup> شرح و توصیف کرد. این ساخت‌های فعلی برای بیان نمود استمراری یا بیان تأکید بر روی عمل فعل به‌کار می‌روند. در این میان کارکرد بیان نمود استمراری به مراتب بی‌نشان‌تر است. تفاوت میان این کارکردهای دوگانه را می‌توان با توجه به تمایز میان کانون‌های تقابلی<sup>۴</sup> و کانون‌های اطلاعاتی<sup>۵</sup> تبیین کرد.

**واژگان کلیدی:** گویش هورامی؛ ساخت‌های استمراری-تأکیدی؛ نظام واژه‌بستی

ضمیری؛ نظریه ساختار اطلاعاتی؛ کانون اطلاعاتی؛ کانون تقابلی.

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: y.karimi@hotmail.com

1. non-ergative
2. case filter
3. information structure
4. contrastive focus
5. informative focus

## ۱- مقدمه

هورامی گویشی گورانی و یکی از زبان‌های ایرانی نو است که در شاخه شمال غربی از گروه زبان‌های ایرانی غربی قرار دارد. منطقه هورامان در دو کشور ایران و عراق بین مناطق کردنشین واقع شده است. گویشوران هورامی در ایران در دو استان کرمانشاه و کردستان سکونت دارند و همگی خود را متعلق به ملیتی کرد می‌دانند. در مورد ماهیت گویش هورامی و جایگاه آن در شجره خانوادگی زبان‌های ایرانی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. ارانسکی (۱۳۵۸) هورامی را گونه‌ای از گویش‌های کردی گورانی و زازا می‌داند. به باور وی وجود تفاوت‌های چشمگیر زبانی میان گویش‌های گورانی و زازا از یک سو و سایر گویش‌های کردی از سوی دیگر بسیاری از محققان را بر آن داشته تا گویش‌های مذکور را زبان‌هایی متفاوت و مجزا از زبان کردی و مرتبط با گویش‌های مرکزی ایران (نظیر گویش سمنانی) و یا گویش‌های کرانه خزر بدانند. مکزی (۱۹۶۶) معتقد است که پیچیدگی فرایندهای نحوی و ساختواژی گویش هورامی، این گویش را به جزیره‌ای در دریای زبان کردی مبدل کرده است. مکزی نیز هورامی را همچون سایر زبان‌های گورانی و زازا، زبان‌هایی مستقل از کردی و جزو لهجه‌های خزری می‌داند. در مقاله حاضر نیز گویش هورامی به مثابه گونه‌ای از زبان کردی در نظر گرفته می‌شود. بر مبنای ملاحظات جغرافیایی گویش هورامی محدود در مرزهای ایران را می‌توان به دو گونه عمده تقسیم کرد: گونه مختص منطقه هورامان لهون و گونه مختص منطقه هورامان تخت. منطقه هورامان لهون شامل بخش‌هایی از استان کرمانشاه و بخش‌هایی از مناطق کردنشین کشور عراق است. منطقه هورامان تخت در مرزهای استان کردستان محصور شده است. شایان ذکر است که در هر یک از این دو گونه عمده گویش هورامی نیز تفاوت‌های زبانی متنوعی به چشم می‌خورد. هر چند که این گونه‌ها از منبع زبانی واحدی سرچشمه می‌گیرند، اما اختلافات همزمانی موجود میان آنها در حوزه‌های واژ- واجی و دستوری سبب می‌گردد تا هر محققی که قصد تحقیق درباره جنبه‌های مختلف گویش هورامی را دارد، برای برخورداری از داده‌هایی یکدست و همگن و نیز نیل به نتایج مرتبط در گام نخست به این تقسیم‌بندی چندگانه قائل شود.

در پژوهش حاضر گونه پاره‌ای این گویش به عنوان معیار مطالعه اختیار شده است و هر جا سخن از گویش هورامی به میان می‌آید، منظور گونه پاره‌ای گویش هورامی است.

در گویش هورامی ساخت‌های فعلی خاصی وجود دارند که فقط مختص این گویش هستند و در سایر گویش‌های کردی مشاهده نمی‌شوند. این ساخت‌ها از دو جزء تشکیل شده‌اند: جزء اول آنها مصدر است (مصدر در گویش هورامی با افزودن تکواژ -ay- به ستاک ماضی افعال ساخته می‌شود.) و جزء دوم این ساخت‌ها می‌تواند یکی از سه صورت فعلی مضارع اخباری، ماضی استمراری و یا ماضی ساده باشد که از مصدر ذکرشده در جزء اول برگرفته می‌شوند. در این میان کاربرد این ساخت با مضارع اخباری و ماضی استمراری به مراتب رایج‌تر است.

نکته قابل توجه در مورد این ساخت‌های فعلی این است که مفعول صریح آنها در ساخت‌های متعددی غیرکنایی (در کلیه زمان‌های دستوری به استثنای گذشته ساده) امکان بروز به شکل گروه اسمی را ندارد و تنها به صورت واژه‌بست ضمیری هم‌مرجع با سازه مفعول بر روی جزء مصدری ساخت مذکور ظاهر می‌شود. استفاده از گروه اسمی مفعولی به همراه این افعال موجب غیر دستوری شدن ساخت حاصل می‌شود. در ساخت‌های لازم و متعددی کنایی (گذشته ساده) جز مصدری میزبان واژه‌بست ضمیری مطابقت با فاعل است و مفعول صریح حتی مجال بروز واژه‌بستی را نیز نمی‌یابد.

از آنجایی که گروه‌های اسمی تنها زمانی می‌توانند به صورت تخفیف‌یافته (به شکل ضمیری، واژه‌بستی و یا محذوف) در عبارات زبانی ظاهر شوند که به نحوی از قبل در الگوی کلامی برانگیخته شده باشند و مصداق آنها برای مخاطب کلام قابل بازیابی باشد، قابلیت بازیابی مفعول صریح در ساخت‌های غیرکنایی را می‌توان به عنوان معیار تعیین‌کننده تشکیل یا عدم تشکیل ساخت‌های مذکور در نظر گرفت. با توجه به اهمیت ملاحظات گفتمانی و کلامی در روند شکل‌گیری ساخت‌های موردنظر می‌توان از نظریه ساختار اطلاعاتی لمبرکت (۱۹۹۴) برای توجیه مراحل مختلف این روند بهره جست.

کارکردهای این ساخت‌های فعلی عبارت‌اند از: بیان نمود استمراری به هنگام کاربرد با افعال مضارع اخباری و ماضی استمراری و نیز نشان دادن مفهوم تأکید بر روی عمل فعل به هنگام کاربرد با افعال ماضی ساده. تمایز میان این کارکردهای دوگانه را نیز می‌توان با رجوع به تقابل میان کانون‌های اطلاعاتی و کانون‌های تقابلی از دیدگاه گیون (۲۰۰۱) تبیین کرد.

در این مقاله سعی می‌شود تا ضمن معرفی داده‌های مرتبط با این ساخت‌ها، برخی از ویژگی‌های عمده آنها نیز به لحاظ نحوی و اطلاعاتی مورد بررسی قرار گیرد. در بخش دوم داده‌های زبانی مرتبط ارائه می‌شود و ویژگی‌های این ساخت‌ها توصیف خواهند شد. بخش سوم به بررسی پیشینه مطالعات انجام‌شده در این زمینه خواهد پرداخت. در بخش چهارم می‌کوشیم تا پیامد نحوی تشکیل این ساخت‌ها، یعنی عدم امکان حضور گروه اسمی مفعولی را با رجوع به مفهوم صافی حالت تبیین کنیم. بخش پنجم به بررسی نظام واژه‌بندی به‌کاررفته در ساخت‌های مذکور می‌پردازد و کارکردهای اصلی آن را بیان می‌کند. در بخش ششم به فرایند شکل‌گیری ساخت‌های فوق‌الذکر از منظر نظریه ساختار اطلاعاتی لمبرکت (۱۹۹۴) نگاهی خواهیم افکند و در بخش پایانی نیز تفاوت میان کارکردهای دوگانه این ساخت فعلی را با رجوع به آرای گیون (۲۰۰۱) در باب کانون‌های اطلاعاتی و کانون‌های تقابلی شرح خواهیم داد.

## ۲- ارائه و توصیف داده‌ها

پیش از پرداختن به داده‌های زبانی، ذکر دو نکته برای درک بهتر خصوصیات این ساخت‌ها ضروری به نظر می‌رسد. نخست اینکه همانطور که مکزی (۱۹۶۶) نیز خاطرنشان می‌کند ساخت‌های مذکور تنها با افعال ساده به‌کار می‌روند. برای افزودن معانی مختص به این ساخت‌ها به افعال مرکب از سازوکار واجشناختی تکیه استفاده می‌شود، بدین ترتیب که جزء غیر فعلی فعل مرکب تکیه‌دار می‌گردد. دوم اینکه به خاطر تأثیر مستقیم وضعیت اطلاعاتی ارکان جمله بر روی امکان یا عدم امکان استفاده از ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی، باید توجه کافی به ساختار اطلاعاتی و بافت

زبانی و غیرزبانی این ساخت‌ها مبدول شود. با تمرکز صرف بر صورت این افعال و چشم‌پوشیدن از شرایط اطلاعاتی حاکم بر تحقق آنها نمی‌توان تصویر جامع و مانعی از رفتار این قبیل افعال به دست داد. مثال‌های زیر کاربرد ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی را در بافت‌های زبانی نشان می‌دهند:

## ۲-۱- مضارع اخباری

افعال لازم:

۱. A) češ ma -kar -i?  
چه - می‌کنی - استمراری (م.۲)

« چه کار می‌کنی؟ »

B) gel-ay ma -gel -u.  
(م.۱) - می‌گردم - استمراری گشتن (مصدر)

« دارم می‌گردم. »

۲. A) Baba-t češ ma-kar-o?  
چکار پدرت - می‌کند - استمراری (م.۳)

« پدرت مشغول چه کاری است؟ »

B) luw-ay m -al -o.  
(م.۳) - می‌رود - استمراری رفتن (مصدر)

« دارد می‌رود / قصد رفتن دارد. »

همان‌طور که در داده‌های فوق مشاهده می‌شود به دلیل فقدان موضوع درونی در ساخت موضوعی افعال لازم، به هنگام کاربرد ساخت مذکور با این دسته افعال، جزء مصدری میزبان هیچ واژه‌بستی نیست و وند تصریفی مطابقه با فاعل بر روی فعل، شخص و شمار فاعل را مشخص می‌کند. از آنجایی که گویش هورامی از جمله

زبان‌های ضمیرانداز<sup>۶</sup> است، گروه اسمی فاعلی می‌تواند در ساخت‌های مورد نظر نظاهر آشکار نداشته باشد.

افعال متعدی:

۳.A) češ ba sipal -aka - an ma-kar-i?

(م.۲) - می‌کنی - استمراری تکواژ جمع تکواژ معرفگی لباس با چکار  
«می‌خواهی لباس‌ها را چه کار کنی؟»

B) šet-ay -šan ma- šor -u

(م.۱) - می‌شویم - استمراری واژه‌بست مفعولی (ج.۳) شستن (مصدر)  
«دارم می‌شویمشان / قصد دارم بشویمشان.»

۴.A) luwa čašt -aka -ay buwara

بخور حالت نمای مفعولی تکواژ معرفگی غذا برو  
«برو غذا را بخور!»

B) alan ward-ay -š mo-war-u

(م.۱) - می‌خورم - استمرار واژه‌بست مفعولی (م.۳) خوردن (مصدر) حالا  
«الآن دارم می‌خورم. / الآن قصد دارم بخورم.»

c\*) alan čašt -aka -ay ward-ay mo-war-u.

(م.۱) - می‌خورم - استمراری خوردن (مصدر) تکواژ مفعولی تکواژ معرفگی غذا حالا

در صورت استفاده از افعال متعدی در الگوی فعلی مورد نظر، مفعول صریح تنها می‌تواند به صورت واژه‌بست مفعولی بر روی جزء مصدری ظاهر شود. برای تحقق این امر باید مصداق موضوع درونی فعل از قبل به نحوی در الگوی کلامی موجود برانگیخته شده و برای مخاطب کلام قابل بازیابی باشد. شایان ذکر است که مفعول صریح هیچ‌گاه نمی‌تواند به صورت گروه اسمی آشکار در این ساخت‌ها ظاهر شود (مثال C). در مورد این دسته از افعال نیز وند تصریفی مطابقه با فاعل، شخص و شمار فاعل را مشخص می‌کند.



شرایط حاکم بر تشکیل ساخت‌های فعلی ماضی استمراری تفاوتی با شرایط ذکر شده در ارتباط با ساخت‌های مضارع اخباری متعددی ندارد. در این دسته از افعال نیز مفعول صریح تنها می‌تواند به صورت واژه‌بست مفعولی بر روی جزء مصدری ظاهر شود و بدین منظور مصداق مفعول صریح باید در الگوی کلامی برانگیخته شده باشد. شایان ذکر است که در افعال ماضی استمراری، همچون موارد پیشین، وند تصریفی مطابقه بر روی فعل، شخص و شمار فاعل را نشان می‌دهد. (در زبان کردی و گویش هورامی، ساخت‌های گذشته استمراری همچون ساخت‌های مضارع از الگوی حالت مفعولی پیروی می‌کنند).

### ۲-۳- ماضی ساده

۹.A) sipal -aka -at fra zarif-an  
 است - زیبا خیلی واژه‌بست ملکی (۲.م) تکواژ معرفگی لباس  
 ja behnam -i gertan-et?  
 (۲.م) -گرفتی حالت غیرفاعلی - بهنام از  
 «لباست خیلی زیباست، از بهنام قرض گرفتی؟»

B) na , as-ay -am asan  
 خرید واژه‌بست فاعلی (۱.م) - خریدن(مصدر) نه!  
 «خودم خریدم. (با تاکید)»

گویش هورامی همچون دیگر گویش‌های زبان کردی در زمان گذشته ساده از نظام حالت کنایی - مطلق<sup>۷</sup> برخوردار است. در این صورت از سازوکار متفاوتی برای نشان دادن روابط دستوری میان اجزای سازنده جمله استفاده می‌شود؛ بدین ترتیب که نخستین عنصر نحوی آشکار پیش از فعل جمله (به غیر از خود فاعل) میزبان واژه‌بست مطابقه با فاعل است و وند تصریفی روی فعل بیانگر شخص و شمار مفعول صریح جمله می‌باشد. در ساخت‌های فعلی مورد بحث، از آنجایی که تنها عنصر نحوی غیرفاعل موجود جزء مصدری ساخت فعلی است، واژه‌بست هم‌مرجع با فاعل به جزء

7. ergative-absolutive



مصدری متصل می‌شود. وند تصریفی مطابقه بر روی فعل نیز نمایانگر شخص و شمار مفعول صریح است. همان‌طور که از توضیحات فوق بر می‌آید در صورت استفاده از الگوی مورد بحث با افعال ماضی ساده جهت افاده معنای تأکید بر روی عمل فعل، مفعول صریح حتی مجال بروز به شکل واژه‌بست مطابقه را نیز ندارد.

### ۳- پیشینه تحقیق

در این بخش به شرح و تحلیل برخی از آثاری می‌پردازیم که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مبحث ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی پرداخته‌اند. پیش از هر چیز باید این مطلب را عنوان کرد که فصل مشترک تمام این آثار این است که در هیچ‌کدام از آنها به نقش بافت و وضعیت اطلاعاتی عناصر سازنده جملات حاوی این ساخت‌ها بر روی کاربرد این ساخت‌های فعلی اشاره‌ای نشده است.

مکنزی (۱۹۶۶) در بخش کوتاهی از کتاب گویش اورامان، که کامل‌ترین توصیف زبانشناختی موجود از گویش هورامی است و بر اساس گونه نوسودی گویش تدوین شده است، به بررسی ساخت‌های مد نظر این پژوهش پرداخته است. مکنزی تنها کارکرد این ساخت را بیان نمود استمراری دانسته و سخنی از کارکرد بیان تأکید بر روی عمل فعل به میان نیاورده است. شایان ذکر آنکه در داده‌های مکنزی کاربرد این ساخت فعلی در زمان ماضی ساده مشاهده نمی‌شود. مکنزی در ادامه به تحلیل فرایند تشکیل این دسته از افعال اشاره می‌کند. او معتقد است که جزء اول این ساخت‌ها نوعی قید است و کارکرد این نوع خاص از قیود افزودن نمود استمراری به معنای افعال است. واضح است که این تحلیل نمی‌تواند قرین حقیقت باشد؛ چرا که با تکیه بر ملاک‌های معنایی طبقه‌بندی اقسام کلمه و همچنین آزمون‌های واژی- نحوی شناسایی انواع کلمه نمی‌توان جزء اول ساخت‌های مذکور را قید دانست. انواع قیود در گویش هورامی می‌توانند آزادانه در جایگاه‌های مختلف جمله حضور یابند؛ حال آن‌که جزء مصدری ساخت‌های فعلی مذکور به هیچ‌وجه نمی‌تواند از فعل اصلی جدا شود و به تنهایی در جایگاه‌های مختلف ظاهر شود. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد جزء آغازین این

ساخت‌ها که وجه تمایز صوری آنها با افعال مضارع اخباری، ماضی استمراری و ماضی ساده است، صورت مصدری است. صحت این مطلب را آزمون‌های واژی- نحوی تصدیق می‌کنند. افزون بر این حضور تکواژ ay- که یگانه تکواژ مصدرساز در گویش هورامی است، دلیل دیگری بر مصدر بودن این اجزا می‌تواند باشد.

رحیمی (۱۳۸۶) بخش کوتاهی را به ساخت‌های استمراری- تأکیدی اختصاص داده است. وی نیز بر این باور است که یگانه کارکرد این ساخت‌ها بیان نمود استمراری است. به زعم رحیمی این ساخت‌ها متناظر با افعال مضارع مستمر در زبان فارسی هستند. او معتقد است که این ساخت‌ها از ترکیب مصدر و صورت‌های فعلی صرف‌شده مضارع اخباری و ماضی استمراری تشکیل شده‌اند. در بحث رحیمی نیز سخنی از کاربرد ساخت‌های مذکور با افعال ماضی ساده به میان نیامده است.

زاهدی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «مضاعف‌سازی در گویش هورامی»، به بحث درباره اشکال و کاربردهای مختلف فرایند ساختواژی مضاعف‌سازی<sup>۸</sup> در گویش هورامی می‌پردازد. داده‌ها و تحلیل‌های زاهدی نیز مبتنی بر گونه نوسودی است. از نظر وی ساخت‌های فعلی مورد بحث مصادیقی از فرایند مضاعف‌سازی در حوزه افعال هستند.

زاهدی مراحل تشکیل ساخت‌های فعلی مذکور را بدین ترتیب شرح می‌دهد: ابتدا افعال صرف‌شده مضارع اخباری یا ماضی استمراری به صورت کامل تکرار می‌شوند. در صورتی که فعل پیشوندهای نفی-ma و پیشوند مضارع اخباری-mi را به همراه داشته باشد، آنها نیز عیناً تکرار می‌شوند. درگام بعدی وند تصریفی انتهای فعل از صورت مضاعف‌سازی شده حذف گردیده و تکواژ ay- جایگزین آن می‌شود. در پایان عنصری که حاصل این فعل و انفعال است قبل از ستاک قرار می‌گیرد. وی بر این باور است که کارکرد این ساخت‌های فعلی بیان استمرار و یا تأکید است، با این تذکر که بیان تأکید تنها زمانی میسر است که فعل مضارع اخباری و یا ماضی استمراری بکاررفته در این ساخت حامل تکواژ نفی باشد و این تکواژ عیناً در صورت مضاعف‌سازی شده

نیز تکرار شده باشد. شایان ذکر است که در گونهٔ پاره‌ای گویش هورامی تکواژ نفی و تکواژ مضارع اخباری به هیچ‌وجه مجال بروز در این ساخت‌ها را ندارند.

#### ۴- تبیین پیامد نحوی ساخت‌های فعلی استمراری - تأکیدی

همان‌گونه که در بخش توصیف داده‌ها بیان شد، به هنگام کاربرد ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی با افعال متعدی در چهارچوب نظام حالت فاعلی-مفعولی<sup>۹</sup>، مفعول صریح هیچ‌گاه به صورت گروه اسمی آشکار ظاهر نمی‌شود و همواره به صورت واژه‌بست مفعولی بر روی جزء مصدری قرار می‌گیرد. می‌توان با رجوع به مفهوم صافی حالت توجیهی برای رخداد نحوی فوق پیدا کرد. صافی حالت به عنوان بخشی از نظریهٔ حالت در چهارچوب نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی<sup>۱۰</sup> مطرح شد.

هگمن (۱۹۹۲) صافی حالت را این‌گونه تعریف می‌کند: « به هر گروه اسمی آشکاری در جمله باید حالت اعطا گردد». به عبارت دیگر حضور گروه‌های اسمی آشکار فاقد حالت (اعم از حالات ذاتی، ساختاری) در یک ساخت، باعث غیر دستوری شدن آن ساخت خاص می‌شود. در مورد ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی می‌توان این‌طور استدلال کرد که افزوده‌شدن مصدر به فعل صرف‌شدهٔ متعدی در چهارچوب یک سازوکار نحوی، توانایی اعطای حالت مفعولی را از فعل متعدی سلب می‌کند. از این‌رو گروه اسمی مفعولی بدون حالت مانده و حضور آن به صورت آشکار در جمله موجب غیردستوری شدن جمله می‌شود. لذا مفعول صریح به صورت واژه‌بست ضمیری معرفی‌کنندهٔ موضوع درونی فعل بر روی جزء مصدری ظاهر می‌شود. حضور موضوع بیرونی به شکل واژه‌بستی صافی حالت را نقض نمی‌کند. بروز مفعول صریح به شکل واژه‌بستی نیز تنها هنگامی میسر است که مصداق مفعول صریح بخشی از اطلاع‌کهنه<sup>۱۱</sup> و یا به دیگر سخن بخشی از پیش‌انگارهٔ مفروض مشارکت‌کنندگان در کلام باشد.

9. nominative-accusative

10. government and binding theory

11. given information

نکته مهمی که دربارهٔ افعال ماضی ساده متعدی در بخش ۱-۳ مطرح شد این بود که به هنگام استفاده از افعال ماضی ساده به دلیل تغییر نظام حالت از نظام فاعلی-مفعولی به نظام کنایی-مطلق، جزء مصدری همواره میزبان واژه‌بست هم‌مرجع با فاعل است و جایی برای بروز واژه‌بست مفعولی در ساخت فعلی وجود ندارد. عدم حضور مفعول صریح را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که ترتیب توزیع واژه‌بست‌ها و وندهای تصریفی مطابقت در ساخت‌های فعلی موردنظر تابعی از نظام حالت حاکم بر آنها است. در افعال ماضی ساده متعدی به دلیل مقتضیات نظام حالت کنایی-مطلق، وند تصریفی فعلی الزاماً با شخص و شمار مفعول صریح مطابقت دارد و واژه‌بست هم-مرجع با فاعل باید بر روی نخستین سازهٔ غیر فاعلی (که در مورد ساخت فعلی مورد بحث این مقاله جزء مصدری است) دوگان‌سازی شود. از طرف دیگر عنصر مصدری ساخت‌های مورد بحث به عنوان یک جایگاه نحوی واحد تنها می‌تواند میزبان یک واژه‌بست باشد؛ بنابراین به دلیل الزامات ساخت کنایی و نیز ظرفیت عنصر میزبان (جزء مصدری)، فقط واژه‌بست هم‌مرجع با فاعل مجال بروز می‌یابد.

##### ۵- تحلیل نظام واژه‌بستی به‌کاررفته در ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی

مفیدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحول نظام واژه‌بستی در فارسی میانه و نو» به بررسی وضعیت نظام واژه‌بستی زبان فارسی در سه دورهٔ تاریخی می‌پردازد. او پس از معرفی دو جایگاه مختلف ظهور واژه‌بست‌ها و ویژگی‌های رفتاری هر کدام، چنین نتیجه می‌گیرد که زبان فارسی میانه از نظام واژه‌بستی جایگاه دوم برخوردار بوده است، در زبان فارسی نو قدیم، نظام واژه‌بستی فعلی هم به نظام جایگاه دوم افزوده شده و هر دو در کنار هم وجود داشته‌اند و در زبان فارسی نو جدید نظام واژه‌بستی فعلی، نظام حاکم و غالب است. مفیدی واژه‌بست‌های ضمیری در زبان فارسی را هم‌ارز با وندهای مطابقت می‌داند و یگانه کارکرد نحوی آنها را مطابقت معرفی می‌کند. وی با استناد به وجود پدیده‌ای تحت عنوان واژه‌بست مضاعف، این ادعا را که واژه‌بست‌های ضمیری فارسی می‌توانند نقش موضوعی هم ایفا کنند مردود می‌داند. به هنگام اعمال پدیده‌ی

واژه‌بست مضاعف، به رغم وجود گروه اسمی آشکار در جایگاه موضوع درونی یا برونی، یک واژه‌بست ضمیری نیز با همان نقش نحوی در جمله ظاهر می‌شود. در نتیجه نمی‌توان واژه‌بست را یکی از موضوعات فعل دانست.

همان‌طور که اشاره شد ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی در دو حالت پذیرای واژه‌بست می‌شوند: نخست هنگامی که مصداق مفعول صریح فعل متعدی در صورت‌های مضارع اخباری و ماضی استمراری جزئی از پیش‌انگاره کاربردشناختی جمله است، در این مورد واژه‌بست معرفی‌کننده موضوع درونی می‌شود. دوم هنگامی که این ساخت در نظام حالت کنایی با فعل ماضی ساده به‌کار برده می‌شود، در این حالت واژه‌بست مطابقه با فاعل ظاهر می‌شود. دقت در داده‌های مربوط به ساخت مورد بررسی این نکته را آشکار می‌کند که نظام واژه‌بستی به‌کار رفته در این ساخت‌ها از نوع نظام فعلی است؛ چرا که در صورت نیاز به حضور واژه‌بست در جمله، این جزء مصدری ساخت فعلی است که به عنوان میزبان عمل می‌کند. اما در مورد کارکرد نحوی واژه‌بست‌ها در ساخت‌های فعلی مورد بحث، نقش نحوی مطابقه را می‌توان تنها در مورد ساخت‌های کنایی پذیرفت. در ساخت‌های غیرکنایی نظام واژه‌بستی نقش معرفی موضوع درونی را برعهده دارد. پدیده واژه‌بست مضاعف که مفیدی از آن برای رد این ادعا که واژه‌بست‌های ضمیری می‌توانند برای معرفی موضوعات به‌کار برده شوند استفاده کرد، در ارتباط با ساخت‌های مورد بحث ما اساساً موضوعیت ندارد. زیرا همان‌طور که به دفعات تصریح شد مفعول صریح در این ساخت‌ها نمی‌تواند به صورت گروه اسمی آشکار ظاهر شود؛ پس ظهور هم‌زمان واژه‌بست ضمیری با نقش نحوی موضوع و گروه اسمی آشکار با همان نقش نحوی مطلقاً در ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی ممکن نیست.

## ۶- تبیین چگونگی عملکرد ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی بر اساس نظریه

### ساختار اطلاعاتی

پیش از این اشاره شد که برای ارائه تحلیلی فراگیر و مطابق با واقعیت از ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی در گویش هورامی توجه به بافت زبانی و فرازبانی و نیز

شرایط اطلاعاتی حاکم بر کاربرد صحیح ساخت‌های مورد بحث الزامی است. دقت به جنبه‌های اطلاعاتی ساخت‌های مذکور راه را برای نگرستن به ابعاد مختلف این ساخت‌ها از منظر دیدگاه‌های اطلاعاتی و کلامی باز می‌کند. در این بخش به طور مختصر سعی می‌شود تا چگونگی تشکیل و عملکرد ساخت‌های مورد بحث از دیدگاه نظریه ساختار اطلاعاتی شرح شود.

خرمایی (۱۳۸۰) در بخشی از فصل اول رساله دکتری خود، تعریف لمبرکت (۱۹۹۴)

از نظریه ساختار اطلاعاتی را این‌گونه نقل می‌کند:

«ساختار اطلاعاتی بخشی از دستور جمله است. در این بخش بر طبق وضعیت ذهنی مشارکت‌کنندگان در کلام، قضایا به عنوان نمودهای مفهومی وضعیت امور با ساختارهای واژی- دستوری جفت می‌شوند. مشارکت‌کنندگان در کلام از این ساختارهای واژی-دستوری به عنوان واحدهای اطلاعاتی موجود در بافت استفاده می‌کنند.»

مفهوم بنیادی مستتر در این تعریف این است که در لحظه‌لحظه شکل‌گیری و پیشبرد کلام، همواره وضعیت اطلاعاتی عناصر سازنده هر جمله و عبارت زبانی از سوی گوینده و شنونده در بوتۀ آزمایش و محک گذاشته می‌شود و متناسب با ارزش اطلاعاتی این عناصر در ذهن شرکت‌کنندگان در کلام، ساخت‌های واژی-دستوری مناسب و کارآمد برگزیده می‌شود. پس به باور لمبرکت ساختار اطلاعاتی همچون ساختار نحوی و ساختار معنایی جزئی از دستور جمله است. تعامل ساختار اطلاعاتی با دیگر بخش‌های دستور جمله بدین ترتیب است که این حوزه از میان جملاتی که بخش نحو دستور به‌طور بالقوه می‌تواند تولید کند، یکی را که همخوانی و تناسب بیشتری با وضعیت اطلاعاتی اجزای سازنده جمله در ذهن گوینده و شنونده دارد، به عنوان برون‌داد حوزه اطلاعاتی دستور بر می‌گزیند. تحلیل‌های مبتنی بر ساختار اطلاعاتی بر این پیش‌فرض استوارند که ساختار یک جمله منعکس‌کننده فرضیات مشارکت‌کنندگان در کلام درباره وضعیت اطلاعاتی اجزای جمله در زمان بیان جمله است.

بنابر این توضیحات، چگونگی شکل‌گیری ساخت‌های مورد بحث با لحاظ‌کردن بخش ساختار اطلاعاتی به عنوان جزئی از دستور جمله واضح به‌نظر می‌رسد. ساختار اطلاعاتی با تجزیه و تحلیل ارزش اطلاعاتی اجزای جمله آن‌گونه که در ذهن گوینده و

شنونده منعکس است و تطبیق آن با ساخت‌های پیشنهادی و بالقوه بخش نحو دستور و مهیا تشخیص دادن شرایط مقتضی، جواز بالفعل شدن ساخت‌های مذکور را صادر می‌کند. همان‌طور که در بخش‌های پیشین ذکر شد به هنگام کاربرد ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی غیرکنایی با افعال متعدی، به دلیل محدودیت این افعال در اعطای حالت ساختاری مفعولی به مفعول صریح، مفعول صریح هیچ‌گاه به صورت گروه اسمی آشکار تجلی نمی‌یابد و تنها راهکار پیش روی بخش نحو در ارتباط با این قبیل ساخت‌ها برای اجتناب از نقض صافی حالت این است که مفعول صریح به شکل واژه‌بست بر روی جزء مصدری ظاهر شود. از سوی دیگر شایان ذکر است که عناصر زبانی تنها هنگامی می‌توانند به صورت تخفیف‌یافته<sup>۱۲</sup> (به شکل ضمیر مطابقه، واژه‌بست و محذوف) در زبان حضور یابند که به نحوی حاوی اطلاع کهنه باشند؛ یعنی مصداق آنها یا از قبل در کلام برانگیخته شده باشد یا جزئی از دانش ضمنی مشترک مشارکت‌کنندگان در کلام باشد. بخش ساختار اطلاعاتی دستور با در نظر گرفتن ساخت پیشنهادی بخش نحو (ساختی که در آن مفعول صریح به شکل واژه‌بست بر روی جزء مصدری ظاهر می‌شود) و محک‌زدن ارزش اطلاعاتی مصداق مفعول صریح بنا بر اصل ذکر شده در ارتباط با عناصر زبانی تخفیف‌یافته، امکان یا عدم امکان استفاده از ساخت را مشخص می‌کند. بدین ترتیب در صورتی که مفعول صریح از قبل برانگیخته شده باشد یا به نحوی قابلیت بازیابی و استنباط از گفتمان موجود را داشته باشد، حضور واژه‌بستی آن به سبب رعایت مقتضیات نحوی ساخت استمراری بلاشکال است. در غیر این صورت اگر ساختار اطلاعاتی تشخیص دهد که مصداق سازه مفعول صریح جزئی از انگاره کاربردشناختی مشارکت‌کنندگان در گفتمان نمی‌باشد و لذا باید به صورت گروه اسمی آشکار و نه به شکل تخفیف‌یافته در جمله ظاهر شود، ساخت مذکور تولید نمی‌شود. در این صورت بخش نحو باید ساختی را ارائه کند تا ضمن رعایت الزامات صرفاً نحوی، با شرایط اطلاعاتی جدید تناسب و سازگاری بیشتری داشته باشد.

## ۷- بررسی وجوه تمایز کارکردهای دوگانه ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی بر اساس آرای گیون

پیش‌تر تصریح شد که کارکردهای ساخت‌های فعلی مورد بحث عبارتند از: بیان نمود استمراری در ارتباط با افعال مضارع اخباری و ماضی استمراری و بیان مفهوم تأکید بر روی عمل فعل در ارتباط با افعال ماضی ساده. تمایزهای موجود میان این دو کارکرد را می‌توان با رجوع به نظریات گیون (۲۰۰۱) در باب تفاوت‌های میان کانون اطلاعاتی و کانون تقابلی تبیین کرد. قبل از پرداختن به نظرات گیون باید با مفهوم اطلاعاتی کانون<sup>۱۳</sup> آشنا شد. خرمایی به نقل از لمبرکت کانون را این‌گونه تعریف می‌کند:

«کانون همان عنصر اطلاعاتی است که مبنای تفاوت پیش‌انگاره و ابراز<sup>۱۴</sup> را تشکیل می‌دهد. کانون آن بخش از قضیه است که نمی‌توان آن را در زمان ادای پاره‌گفتار مسلم فرض کرد. کانون یک پاره‌گفتار عنصری غیرقابل پیش‌بینی و یا به لحاظ کاربردشناختی غیر قابل بازیابی است.»

گیون قائل به وجود دو نوع کانون است، یکی کانون اطلاعاتی و دیگری کانون تقابلی. به باور گیون مبنای تمایز میان کانون اطلاعاتی و کانون تقابلی، تفاوت در نحوه ارائه اطلاعات نو در مدل کلامی است. وی معتقد است که گوینده بر پایه فرضیاتی که در باب سطح دانش و آگاهی شنونده در ذهن خود می‌سازد، اقدام به ارائه اطلاعات نو می‌کند. این قبیل فرضیه‌سازی‌ها بر دو اصل بنیادین استوارند:

اصل ندانستن<sup>۱۵</sup>: شنونده چیزی از این اطلاعات نو نمی‌داند.

اصل عقیده مخالف<sup>۱۶</sup>: شنونده ایده متضاد و مخالفی در ارتباط با این اطلاع نو دارد.

گوینده بر اساس اطلاعات بافت زبانی و فرازبانی در هر لحظه از کلام یکی از این اصول دوگانه را انتخاب می‌کند. اگر گوینده بر پایه اصل نخست دست به فرضیه‌سازی بزند، عبارت زبانی ارائه‌شده توسط او دارای کانون اطلاعاتی خواهد بود. حال اگر اصل دوم از سوی گوینده به عنوان مبنای فرضیه‌سازی و ارائه اطلاعات برگزیده شود، عبارت زبانی بیان‌شده حاوی کانون تقابلی خواهد بود. به باور گیون تمایز میان کانون

13. focus

14. assertion

15. principle of ignorance

16. principle of contrary belief



اطلاعاتی و کانون تقابلی بر ساخت نحوی عبارات زبانی تأثیر می‌گذارد و برای هر یک از انواع کانون، ساخت‌های نحوی خاصی وجود دارد. او ارتباط میان کانون‌های دوگانه را چنین تصویر می‌کند: هر کانون تقابلی فی نفسه کانون اطلاعاتی هم هست ولی عکس این قضیه صادق نیست. از این نکته اخیر چنین می‌توان دریافت که کانون اطلاعاتی بی‌نشان‌تر از کانون تقابلی است.

بررسی مثال‌های ارائه شده و دقت در بافت‌های همراه با آنها و نیز مدنظر داشتن تقابل مطرح شده از سوی گیون می‌تواند در تبیین کارکردهای دوگانه ساخت‌های مورد بحث کارساز باشد. اگر ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی با افعال ماضی ساده به کار روند، اصل دوم فوق به عنوان مبنای بیان اطلاعات نو در زمان گذشته انتخاب می‌شود و ساخت فعلی حاوی کانون تقابلی است. انتخاب کانون تقابلی متناظر بر کارکرد تأکیدی ساخت‌های مذکور است. اگر ساخت فعلی مورد بحث با افعال مضارع اخباری و ماضی استمراری به کار روند، بنا بر شرایط اطلاعاتی، اصل نخست به عنوان مبنای بیان اطلاعات استفاده می‌شود و ساخت فوق حاوی کانون اطلاعاتی است، یعنی صرفاً اطلاع جدیدی وارد الگوی کلامی موجود می‌شود و ایده پیشین مخاطب در مورد وضعیت امور به چالش گرفته نمی‌شود.

#### ۸- نتیجه

در این مقاله به توصیف و شرح ساخت‌های فعلی استمراری-تأکیدی در گویش هورامی پرداخته

شد. نخست با تکیه به مثال‌های ارائه شده و توصیف برخی از ویژگی‌های مربوط به این ساخت‌ها، دیدیم که این افعال از ترکیب مصدر با افعال مضارع اخباری، ماضی استمراری و ماضی ساده شکل می‌گیرند و کارکردهای اصلی آنها بیان نمود استمراری و نیز بیان مفهوم تأکید تقابلی بر روی عمل فعل است. در گام بعد برای پیامدی که پس از اعمال این ساخت بر ساختار جمله عارض می‌شود با استفاده از مفهوم صافی حالت توجیهی نحوی به دست داده شد. بررسی نظام واژه‌بستی به کاررفته در این ساخت‌ها

مشخص کرد که نظام واژه‌بستی به‌کاررفته در این افعال از نوع نظام فعل است و کارکرد آن مطابقه و معرفی موضوعات فعلی است. از آنجا که ملاحظات اطلاعاتی نقش مهمی را در کاربرد صحیح این ساخت‌ها ایفا می‌کنند، سعی شد تا در چهارچوب نظریه ساختار اطلاعاتی تبیینی مختصر برای چگونگی شکل‌گیری و کاربرد ساخت‌های مذکور ارائه شود. در بخش آخر تفاوت میان کارکردهای دوگانه ساخت مورد بحث در پرتو تمایز میان کانون تقابلی و کانون اطلاعاتی تشریح شد و نشان داده شد چگونه تمایز در نوع کانون، می‌تواند به استفاده از ساخت‌های نحوی متفاوت بینجامد.

#### منابع

- ارانسکی، یوسف.م. (۱۹۷۷). *زبان‌های ایرانی*. ترجمه علی‌اشرف صادقی. تهران: سخن.
- خرمایی، علیرضا (۱۳۸۰). رویکردی نحوی-کلامی به فرآیند مبتداسازی گروه اسمی در زبان فارسی، پایان‌نامه دکتری، گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- رحیمی، فاتح (۱۳۸۶). دستور زبان کردی (هورامی). مؤلف، سندج.
- زاهدی، محمدصدیق (۱۳۸۶). «مضاعف‌سازی (تکرار) در گویش هورامی»، مجله زبان‌شناسی، سال بیست‌ودوم، شماره اول.
- مفیدی، روح‌الله (۱۳۸۷). تحول نظام واژه‌بستی در فارسی میانه و نو، ویژه‌نامه دستور، شماره سوم.
- Givon, T. (2001). *Syntax Volume 2*, Amsterdam: John Benjamin .
- Hageman, L. (1992). *Introduction to government and binding theory*. Oxford: Blackwell Publisher.
- Mackenzie, D.N. (1966). *The dialect of Hawraman*, Copenhagen.
- Lambrecht, Knud. (1994). *Information structure and sentence form* Cambridge: Cambridge University Press.